

«هو الحکیم»

# برهان شکل در اثبات وجود خدا

سخنران:

دکتر باقرپور کاشانی



اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيِّكَ الْفَلَاحَ



ماده دارای شکل هست یا نیست؟

بالاخره ماده چیه؟ انسانه؟ خیلی خب! این ماده شکلی داره دیگه! گیاهه؟ شکلی داره! سنگه؟ شکلی داره! حیوانیه؟ شکلی داره! خب حالا این شکلی که ماده داره، ذاتی ماده‌ست یا ذاتی ماده نیست؟ خب می‌گه طرف ذاتی ماده‌ست. خب می‌گه اگر ذاتی ماده‌ست، چرا شکلش تغییر می‌کنه؟ ذات شکل تغییر نمی‌کنه که! پس ذاتی ماده نیست! پس وقتی ذاتی ماده نباشه عارض به ماده‌ست؛ یعنی شکل، عارض بر ماده می‌شه! این شکل خاصّ سنگ، عارض بر این سنگیت می‌شه. خب وقتی شیئی عارض بر شیئی بشه، نیازمند علت خارجیّه. دقیقاً مثل حرکت. یعنی برای این‌که این شکلی داشته باشه، نیازمند به یک علت خارجی داره، این سنگ به این شکل باشه، این گیاه به این شکل باشه! این صدف به این شکل باشه!



از خارج باید روش اثر بگذاره

که این شکل خاص رو بتونه پیدا بکنه. خب! وقتی عارضی باشه، هر عارضی نیازمند به علت خارجی داره، پس این عالم ماده کل ماده رو نگاه بکنید، ماده‌ی بدون شکل نداریم که! شکل هم که ذاتی شیء نیست، به خاطر این که تغییر نباید بکنه! ما می‌بینیم تغییر می‌کنه. پس این‌ها همه عارضه! وقتی عارضه خب نیازمند به علت خارجی. حالا کل این اجسام رو نگاه بکن، جسم لطیف و رقیق و هوا و... همه‌ی این‌ها رو حساب بکن، ابر و... این‌ها حرکت می‌کنه یا نمی‌کنه؟ گیاهان شکلش تغییر می‌کنه یا نمی‌کنه؟ انسان تغییر می‌کنه یا نمی‌کنه؟ تغییر می‌کنه دیگه! ما می‌بینیم شکل‌ها متفاوتن! دوتا بچه‌ی دو قلو هم نگاه می‌کنیم شکل‌هاشون شبیه هم نیست! تازه نگاه می‌کنیم خیلی از ظواهر رو همون پدر و مادر می‌تونه تشخیص بده.



گیرم هم شبیه هم‌دیگه باشن،

دوتا شکل متفاوتن باز هم! پس باز نیازمند به علت خارجی اند. حالا فرض کنید می‌گه که این پدر و مادر من علت من بود! پدر بزرگ و مادر بزرگ من، علت او بود! همین عالم و فرگشت و تمام این مسائل رو با هم دیگه درستش بکنیم! مچش بکنیم! خیلی خب! می‌گه آقا جون شکل برای این‌که تحقق بر اون ماده پیدا بکنه نیازمند به علت خارجی داره، خب این‌ها به هم نیازمنده به هم نیازمنده به هم؛ تو تمام این‌ها رو در نظر بگیری، از این‌ها بی‌نیاز درنمیاد که! باز نیازمند به یک حقیقتیه!

و به‌علاوه این‌که همون حرفی که در حرکت می‌زدیم، حرکت رو می‌گفتیم مسبوق به عدمه لحظه به لحظه، چه حرکت ذاتی چه حرکت عارضی؛ در مورد شکل هم همین‌طوره. شکل هم مسبوق به عدمه!



هر شکلی که حساب بکنیم  
می بینیم که رو به تغییره. وقتی شکل تغییر داره می‌کنه  
ولو تغییر جزئی بکنه، عدم شکل قبل رو داره! وقتی عدم  
شکل قبل رو داشته باشه می‌شه حدوث.  
و تمام عالم ماده هم چنین هست. در تمام عالم ماده،  
حدوث راه داره. پس اینها باز نیازمند به یک حقیقتی  
هستند که حادث نباشد!